

Medical Ethics and Law
Research Center

Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2022; 14(Special Issue on Culture, History and Civilization): e8

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

Persian Translation of "Sharh Shafiyyah Ibn Hajib" by Mohammad Hadi Mazandarani

Fatemeh Kheirati¹, Seyed Babak Farzaneh^{1*}, Ali Reza Bagher¹

1. Department of Persian and Arabic Language and Literature, Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Books that deal with the science of grammar and translation of the Arabic language have always been important among scholars and jurists because they are necessary to understand the words of the Qur'an and the Sunnah. Among these works is the book of al-Shafiyyah by Ibn Hajib, edited by Mohammad Hadi Mazandarani. It has been translated into Persian. However, this effect has received less attention. Therefore, in this research, we want to address the topic of "Persian translation of Ibn Hajib's commentary by Mohammad Hadi Mazandarani". In addition, the purpose of this research is to examine the Persian translation of Ibn Hajib's commentary by Mohammad Hadi Mazandarani.

Methods: This research is descriptive-analytical.

Ethical Considerations: In the present research, the principles of trustworthiness, honesty, impartiality and originality of the work have been respected.

Results: The findings of this research are related to the Persian translation of Shafieh Mohammad Hadi Mazandarani's description in the subject areas and content of al-Shafieh book, Mohammad Hadi Mazandarani's motivation, Mohammad Hadi Mazandarani's mastery in translation.

Conclusion: Al-Shafiyyah book was translated into Farsi by Mohammad Hadi Mazandarani. This book has features such as Basmalah and Tahmid, and it is only about science, and it deals with such things as correct and correct nouns and verbs, ambiguous adjectives, first, waqf, settlement, abdal, etc. In fact, the results indicate that Mohammad Hadi Mazandarani's motivation is to transfer the Arabic language to Persian to make it necessary to understand Arabic texts, and he has a complete command of Arabic grammar. Also, the importance of this book is to understand the text of the Qur'an and Arabic books and to prevent foreign words from entering the Persian language and to familiarize Persian speakers with the Arabic language. Mohammad Hadi Mazandarani's method in the Persian translation book Sharif Shafie's introduction is to refer to quotations from Sheikh Razi and other scholars, bring a title in Arabic grammar and explain it, limited use of literary techniques, trying to communicate easily with the audience.

Keywords: Ibn Hajib; Mohammad Hadi Mazandarani; Persian Translation of Shafiyyah Ibn Hajib by Mohammad Hadi Mazandarani

Corresponding Author: Seyed Babak Farzaneh; **Email:** farzaneh@srbiau.ac.ir

Received: May 19, 2022; **Accepted:** December 01, 2022; **Published Online:** March 04, 2023

Please cite this article as:

Kheirati F, Farzaneh SB, Bagher AR. Persian Translation of "Sharh Shafiyyah Ibn Hajib" by Mohammad Hadi Mazandarani. Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History. 2022; 14(Special Issue on Culture, History and Civilization): e8.



مجله تاریخ پزشکی

دوره چهاردهم، ویژه‌نامه تاریخ، فرهنگ و تمدن، ۱۴۰۱



ترجمه فارسی شرح شافیه ابن حاجب اثر محمد مهدی مازندرانی

فاطمه خیراتی^۱، سید بابک فرزانه^{۱*}، علیرضا باقر^۱

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی و عربی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: همواره کتاب‌هایی که به علم دستور زبان می‌پردازند و ترجمه زبان عربی هستند در میان علما و فقها حائز اهمیت بوده است، زیرا برای فهم الفاظ قرآن و سنت لازم است. از جمله این آثار نیز کتاب الشافیه ابن حاجب است که محمد مهدی مازندرانی آن را به زبان فارسی ترجمه نموده است. با این حال، این اثر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو در این پژوهش می‌خواهیم به موضوع «ترجمه فارسی تفسیر ابن حاجب توسط محمد مهدی مازندرانی» بپردازیم، ضمن آنکه هدف این تحقیق، بررسی ترجمه فارسی شرح شافیه ابن حاجب اثر محمد مهدی مازندرانی است.

روش: این پژوهش به روش توصیفی - تحلیل است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های این تحقیق در رابطه با ترجمه فارسی شرح شافیه محمد مهدی مازندرانی در زمینه‌های موضوعی و محتوای کتاب الشافیه، انگیزه محمد مهدی مازندرانی، تسلط محمد مهدی مازندرانی در ترجمه می‌باشد.

نتیجه‌گیری: کتاب الشافیه توسط محمد مهدی مازندرانی به فارسی ترجمه شده است. این کتاب دارای ویژگی‌هایی چون بسمله و تحمید است و درباره علم صرف است و به مواردی مانند اسم و فعل صحیح و معتل و صفت مشبیه ابتدا، وقف، اسکان، ابدال و می‌پردازد. نویسنده تحت تأثیر شرح رضی قرار دارد و از عبارات و لغات عربی نیز استفاده نموده است. در حقیقت نتایج حاکی از آن است که انگیزه محمد مهدی مازندرانی انتقال زبان عربی به زبان فارسی برای الزام فهم متون عربی است و خود نیز تسلط کامل بر دستور زبان عربی دارد. همچنین اهمیت این کتاب درک متن قرآن و کتب عربی و جلوگیری از ورود واژه‌ای بیگانه در زبان فارسی و آشنایی فارسی‌زبانان با زبان عربی است. روش محمد مهدی مازندرانی در کتاب ترجمه فارسی شرح شافیه مقدمه‌چینی، اشاره به نقل قول‌هایی از شیخ رضی و دیگر علما، آوردن عنوانی در دستور زبان عربی و توضیح آن، استفاده محدود از صنایع ادبی، کوشش برای برقراری ارتباط آسان با مخاطب است.

واژگان کلیدی: ابن حاجب؛ محمد مهدی مازندرانی؛ ترجمه فارسی شرح شافیه ابن حاجب اثر محمد مهدی مازندرانی

نویسنده مسئول: سید بابک فرزانه؛ پست الکترونیک: farzaneh@sbiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Kheirati F, Farzaneh SB, Bagher AR. Persian Translation of "Sharh Shafiiyyah Ibn Hajib" by Mohammad Hadi Mazandarani. Tārīkh-i pizīshkī, i.e., Medical History. 2022; 14(Special Issue on Culture, History and Civilization): e8.

مقدمه

ترجمه آثار ادبی، یکی از موضوع مورد بحث زبان‌شناسان بوده است. ادبیات مظهر اندیشه و فرهنگ و روح یک جامعه و هر آنچه در ظاهر آن دیده نمی‌شود، است. از این منظر، آثار ادبی بهترین منبع برای شناخت عمیق و دقیق یک جامعه و ساکنان آن است. علاقه به شناخت افراد از نژادها و کشورهای مختلف همیشه در بین انسان‌ها وجود داشته و دارد. این خواسته‌ها تنها به دانش محدود نمی‌شود، بلکه انگیزه اصلی آن‌ها برقراری ارتباط و تعامل است که بیش از هر چیز به شناخت متقابل بستگی دارد، اما تفاوت‌های زبانی بین کشورهای مختلف، بزرگ‌ترین مانع برای استفاده از منابع معتبر مانند آثار ادبی برای کسب این دانش است. اینجاست که نقش مترجم ضروری می‌شود. بنابراین بدیهی است که ترجمه - که مهم‌ترین فرآیند میانجی‌گری در طیف وسیعی از زبان‌ها و فرهنگ‌ها تلقی می‌شود - هنوز سؤالات مشکل‌آفرینی را در مورد ماهیت ارتباطات ایجاد می‌کند. علاوه بر این، ترجمه همچنان نقش تعیین‌کننده‌ای در ارائه روش‌ها و ابزارهایی خواهد داشت که از طریق آن جوامع و افراد مختلف بتوانند با یکدیگر تعامل داشته باشند و از یکدیگر بیاموزند (۱). اهمیت ترجمه متون از این جهت است که کمتر پیش می‌آید که افراد به زبان‌هایی غیر از زبان مادری خود مسلط باشند و حتی در صورت آشنایی نسبی با زبان‌های دیگر می‌توانند اسناد و متون علمی را به زبان مادری خود بخوانند، قابل درک‌تر خواهد بود. ترجمه پلی است برای انتقال واژه‌ها، باورها و فرهنگ و زبانی برای بیان عقاید در جوامع. مفاهیم را می‌توان از طریق ترجمه منتقل و تفسیر کرد. به عبارت دیگر، جوامع برای پیشرفت و تکامل باید با یکدیگر تعامل داشته باشند. این شامل ترجمه است که باید با درک صحیح از معنای کلمات، محتوا و نوشته انجام شود. سبک متن، امکان‌پذیر است. در هر کشوری، تولیدات علمی به همان زبان همان کشور تولید می‌شود و ترجمه آن‌ها به مردم این امکان را می‌دهد تا با سایر فعالیت‌های علمی که به زبانی غیر از زبان مادری نوشته شده‌اند، آشنا شوند و از پیشرفت‌های علمی

جهان مطلع شوند. به عبارت دیگر، ترجمه باعث تبادل اطلاعات علمی می‌شود. همچنین در فرهنگ لغت هر جامعه‌ای، واژه‌ها علاوه بر معنای تحت‌اللفظی خود، معنای عاطفی نیز دارند. بنابراین مترجم سعی می‌کند در ترجمه آن، احساس کلمات و محتوا را به خواننده منتقل کند، زیرا مخاطب غیر بومی باید هنگام خواندن متن، متن را ترجمه کند تا همان معنای عاطفی خواننده بومی را دریافت کند (۲)، لذا منزلت و جایگاه متون درسی در حوزه‌ها و لزوم بهره‌مندی از ذخایر ارزشمند متون قدیم علمای گذشته ایجاب می‌کند که در تدوین متون درسی، اهتمام، دقت و تأمل شایسته‌ای صورت گیرد، لذا نوشته‌های دانشمندان قرون گذشته، گنجینه‌های بزرگی محسوب می‌شود که به دلیل سوابق علمی این دانشمندان بزرگ، قابل توجه است. از سوی دیگر، ترجمه یکی از راه‌های شناخت و ارائه فرهنگ‌ها، دانش‌ها و تمدن‌های گوناگون بشری است که از قدیم‌الایام برای ملل متمدن آشنا بوده است. حال قرن یازدهم قمری که مقارن با حکومت صفویان است، دوران رونق ترجمه است و در حقیقت در دوره صفویه نهضتی در ترجمه آثار بالارزش علمی اسلامی پدید آمد که بخش قابل ملاحظه‌ای از متون عربی به فارسی برگردانده شده است (۳). در این دوره عده‌ای از علمای شیعه، علاوه بر تألیف کتاب‌هایی به زبان فارسی، بسیاری از آثار گذشتگان را نیز به فارسی ترجمه کرده‌اند (۴) و از جمله علما این قرن محمد هادی مازندرانی است که آثار فراوانی از خود به جا گذاشته است. کتاب الشافیه ابن حاجب، از جمله آثار است که مورد توجه این دانشمند قرار گرفته و به دلیل اهمیتی که دارد در طول سالیان متمادی مورد توجه قرار گرفته است و علاوه بر شرح‌های عربی بر این کتاب نوشته شده، ترجمه فارسی و شرح محمد هادی مازندرانی نیز یافت می‌شود. در این کتاب سعی شده است در حوزه علم صرف ترجمه‌ای از زبان عربی به زبان فارسی ارائه شود. در حقیقت کتاب‌های اساسی صرف و نحو که در دوره صفویه رواج داشت، گروهی را بر آن داشت که همچون محمد هادی مازندرانی به آن سرگرم شوند. «شافیه ابن حاجب که در صرف است در ایران شرح و ترجمه‌ای از محمد هادی مازندرانی باقی ماند که چون اثرهای

یافته‌ها

یکی از رسالت‌های مهمی که بر دوش علما قرار گرفته است، شناخت و معرفی آثار ارزشمند گذشتگان است. متون علمی از مهم‌ترین این آثار و در حقیقت ذخایر زبان هستند که توجه بدان‌ها به این شناخت کمک قابل توجهی می‌کند، لذا هنوز آثار ارزشمند بسیاری وجود دارد که همچنان در پرده گمنامی باقی مانده‌اند و روشن است که معرفی و شناساندن آن‌ها گاه نیازمند ترجمه به زبان‌های مختلف است، از جمله این کتاب‌ها، ترجمه فارسی شرح شافیه محمد‌های مازندرانی است که اگر مورد توجه قرار نگیرد، در کنج فراموشی قرار خواهد گرفت.

یافته‌های این تحقیق در رابطه با ترجمه فارسی شرح شافیه محمد‌های مازندرانی از این قرار است:

۱. **موضوع و محتوای کتاب الشافیه:** کتاب الشافیه ابن حاجب در زمینه علم صرف و دستور زبان عربی است که نویسنده همچون دیگر گذشتگان آرا نگاشته است و برای آیندگان به میراث گذاشته است. از این رو اصل کتاب الشافیه به زبان عربی است. در زمان‌های مختلف این کتاب توسط اندیشمندانی گرامی داشته شده و به دلیل اهمیتی که کتاب مذکور بر آنان داشته، شروح مختلفی بر آن نوشته شده است (۶) تا آنکه به زبان فارسی نیز توسط محمد‌های به فارسی ترجمه شد و در مورد همان علم صرف است.

۲. **انگیزه محمد‌های مازندرانی در ترجمه فارسی شرح شافیه:** روند فارسی‌نویسی ترجمه در عصر صفویه جریانی نو بود در شکل‌گیری حرکتی علمی و فرهنگی و انگیزه مؤلف در امر ترجمه ناشی از اوضاع رونق ترجمه در عهد صفویه است. در زمان محمد‌های مازندرانی ترجمه متون نقش مهمی در انتقال زبانی به زبان دیگر که مقصود ما زبان عربی به فارسی است، داشته است. از طریق امر ترجمه افکار و علوم دیگر زبان‌ها به زبان فارسی انتقال داده شد. محمد‌های مازندرانی نیز از این جریان مستثنی نبود و به این کار همت گذاشت که نتیجه آن ترجمه فارسی کتاب شافیه است، لذا انگیزه مؤلف برای ترجمه بسیار مهم بوده است و وی در پی آن بوده است

خود را خلاف هم‌طرازان به فارسی می‌نوشت، مترجم لقب یافت» (۵)، لذا در عرصه مهم برگردانی آثار عربی به فارسی، محمد‌های مازندرانی در ترجمه علم دستور عربی اهمیت ویژه‌ای دارد و این بدان جهت است که اندیشمندان فارسی‌زبان همچون وی دریافته بودند که تلاش در این امر هم نیاز به زبان عربی و را برطرف می‌کند و هم موجب می‌شود زبان فارسی تحت تأثیر زبان عربی از بین نرود. در این پژوهش، به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی «ترجمه فارسی شرح شافیه ابن حاجب اثر محمد‌های مازندرانی» می‌پردازیم.

۱. **ضرورت تحقیق:** به طور کلی ادبیات هر زبانی تبلور زیبایی در قالب کلمات است و هدف اصلی یادگیری علم صرف، آشنایی با زبان قرآن است و ادبیات ابزار و وسیله‌ای برای فهم قرآن و حدیث است. محمد‌های مازندرانی از فقه‌های بزرگ دوره صفویه در ایران است و آثار ارزشمندی، از جمله ترجمه فارسی الشافیه ابن حاجب از وی به جای مانده که گواه مقام علمی والای وی است. از آنجایی که مطالعه آثار کهن گذشتگان به خواننده کمک می‌کند تا این آثار را بهتر درک کند و دانشمندان فارسی‌زبان همچون محمد‌های مازندرانی به ترجمه آثار عربی توجه خاصی داشته‌اند که نقطه اوج آن را می‌توان در ترجمه‌های گوناگون قرآن سراغ گرفت و از سوی دیگر در مورد کتاب شافیه تحقیق چندانی انجام نشده است، ضرورت این تحقیق برای ما روشن است. در واقع بررسی ترجمه‌های فارسی منجر به رمزگشایی منابع فرهنگی و علمی می‌شود. از این رو ترجمه فارسی تفسیر شافیه ابن حاجب به قلم محمد‌های مازندرانی نیاز به مطالعه و بررسی دارد.

۲. **هدف تحقیق:** هدف این تحقیق بررسی ترجمه فارسی شرح شافیه ابن حاجب اثر محمد‌های مازندرانی است.

روش

این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی است.

که مخاطب بتواند کلمات را در قالب‌ها و اشکال گوناگونی دسته‌بندی کند و معنای حاصل از شکل مخصوص به هر دسته را به دست آورد. همچنین با استفاده از قواعد و اصول این علم، بتواند تفاوت‌هایی را که از لحاظ شکل ساختمانی در میان کلمات وجود دارد، تشخیص دهد و از نتایج حاصل از این بررسی‌ها، در درک متون و مباحث ادبیات عرب، زبان‌شناسی عربی و متون دینی بهره‌برد (۷).

۳. تسلط محمد هادی مازندرانی در ترجمه: ترجمه یک فن است و مترجم باید افزون بر برخورداری از آگاهی‌ها و مهارت‌هایی خاص همچون تسلط بر زبان مبدأ و مقصد، قدرت انتقال مفاهیم، آشنایی با موضوع مورد ترجمه و دیگر مقوله‌هایی که در واقع مبحث آن کتاب را تشکیل می‌دهد، از ذوق و هنر این کار بهره‌مند باشد و قواعد و ضوابط این فن را بیاموزد (۸)، پس تسلط به حوزه تخصصی متن به میزان دانش مترجم از متن اشاره دارد و علم مترجم باید در سطح دانش کسی باشد که قرار است متن مورد نظر او را بخواند. در غیر این صورت، مترجم نمی‌داند آیا متن می‌تواند هدف مورد نظر را برآورده کند، زیرا «اول باید متن را فهمید بعد ترجمه کرد و باید فهمید متنی که قرار است ترجمه شود ناگزیر باید زمانی را که متن با آن نوشته شده است، خوب فراگرفت و ریزه‌کاری‌ها و قواعد ادبیات و نکات دقیق و... آن زبان را به خوبی دانست و همچنین بر زبانی که می‌خواهد به آن ترجمه انجام شود، کاملاً مسلط بود» (۹). کتاب ترجمه شرح شافیه محمد هادی مازندرانی نیز بیانگر تسلط این نویسنده از قواعد دستور عربی و اشراف و تسلط وی به محتوای کتاب عربی الشافیه ابن حاجب است. آنچه روشن است، این است که این مترجم در ترجمه فارسی شافیه رنج زیادی را متحمل شده و زمانی را برای نگارش آن صرف کرده است. اساساً روی آوردن و اشتغال به کار ترجمه مباحث تخصصی علمی همچون دستور زبان فقط از دست‌اندرکاران و متخصصان علم و دانش همچون محمد هادی مازندرانی برانزده است و اگر این مترجم بدون آشنایی دست به ترجمه فارسی شافیه می‌زد، بسیاری از اشتباهات در اثر وی آشکار می‌گشت.

۴. اهمیت ترجمه فارسی شرح شافیه: از آنجا که انسان نیاز به برقراری ارتباط با دیگری است و اساسی‌ترین و نخستین ملزومات ارتباط، ترجمه یا ترجمه شده است، مترجم نه تنها یک متن را به زبان اصلی خود برمی‌گرداند، بلکه رنگ بیگانه آن زبان را که ایجاد دافعه برای مخاطب می‌کند را می‌زداید، خواننده نیز با خواندن کتاب ترجمه فارسی شرح شافیه محمد هادی مازندرانی درمی‌یابد که این کتاب به دلیل مطالب و مباحث جالبی که درباره دستور زبان عربی دارد و می‌تواند در درک متن قرآن و کتب عربی نقش داشته باشد، برای متخصصان و علاقمندان بسیار مفید و مغتنم است. با آنکه در این کتاب لغات و عباراتی به زبان عربی دیده می‌شود، کوشش مترجم محمد هادی مازندرانی مبین آن است که دلیل انجام این ترجمه جلوگیری از هجوم واژه‌های کاملاً بیگانه در زبان فارسی و در عین حال آشناسازی فارسی‌زبانان با زبان عربی است.

۵. روش محمد هادی مازندرانی در کتاب ترجمه فارسی شرح شافیه: ۱- در ابتدای کتاب ترجمه فارسی شرح شافیه کلامی در حمد و ثنای خداوند آورده شده و بعد مطالب اصلی کتاب شروع شده است. در واقع در این تحریر و نگارش، نویسنده ترجمه فارسی شافیه ابتدا با مقدمه و بسم‌الله و تحمید و صلوات و آنکه به دستور چه شخصی دست به نگارش کتاب زده، پرداخته است و در ادامه بخش‌هایی را موضوعات دستور عربی اختصاص داده است، لذا آغاز اثر شرح شافیه با مقدمه آغاز می‌شود که مقدمه با بسمله و تحمید و صلوات آغاز می‌شود و آغاز کتاب چنین است: «بسملة الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على خير خلقه محمد و آله الطيبين الطاهرين المعصومين...» (۱۰).

سپس در آغاز ترجمه فارسی شافیه مازندرانی، گفته است که این ترجمه فارسی را به فرمان چه کسی نگاشته شده است... محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی که این کمینه به حسب فرمان... خان بن خان حسین‌علی خان...» (۱۰).

محتوای کلی کتاب شافیه محمد هادی مازندرانی درباره علم صرف است، چنانکه الشافیه با تعریف علم صرف شروع می‌شود

و سپس نویسنده به تقسیم اسم و فعل صحیح و معتل می‌پردازد. مباحث دیگری هم در این کتاب آمده است، مانند ثلاثی مجرد و رباعی مجرد و معانی فَعْلَ و معانی فَعَلَ و معانی أَفْعَلَ و معانی فَعَل و فاعل و فعل رباعی مجرد و مزید و صفت مشبیه و مصدر ثلاثی مجرد، باب جمع، ابتدا، وقف، اسکان، ابدال. از این رو محتوا و موضوع الشافیه در رابطه با علم صرف می‌باشد.

۲- محمد‌های مازندرانی در کتاب ترجمه فارسی شرح شافیه بسیار متأثر از شرح شیخ رضی‌الدین محمد بن الحسن الاسترابادی بوده است و اشاره وی به نام رضی در جای‌جای ترجمه مبین همین مطلب است. از این رو اشارات و نقل قول‌هایی از رضی به شکل غیر مستقیم دیده می‌شود، چنانکه مؤلف می‌گوید: «شیخ رضی بیان فرموده هیأتی است که عارض او می‌شود از جهت عدد و حروف و حرکات و سکانات به اعتبار هریک از حروف اصلیه و زائده در محل خود...» (۱۰).

«... و نباید دانست چنانکه شیخ رضی بیان فرموده هیأتی است که عارض می‌شود...» (۱۰).

«... و رضی فرموده که فعال هرگاه واو و لام او از یک جنس باشد، بسیار است چون زلزال و خلخال...» (۱۰).

البته لازم به ذکر است که محمد‌های مازندرانی متأثر از کتاب شرح رضی، در ترجمه فارسی عبارات او مانند «احوال ابنیه الکلام» و «الطی لیست بعرب» را آورده است (۱۱). در واقع ترجمه محمد‌های مازندرانی به نوعی تلخیص شرح شیخ رضی بر شافیه می‌باشد.

۳- محمد‌های مازندرانی در کتاب ترجمه فارسی شرح شافیه به علمای مختلف اشاره کرده است:

- اشاره به دیدگاه شیخ عبدالقاهر: «... و شیخ عبدالقاهر گفته مبدل از حروف اصلی جایز است در او تعبیر به بدل گفته نیز و گفته می‌شود که قال بر وزن فال است» (۱۱).

- اشاره به دیدگاه سیبویه: «... سیبویه و او را عقیده این است که اشیا مقلوب شیء است بفتح شین و سکون...» (۱۱).

لذا کتاب ترجمه فارسی شرح شافیه، شرحی است بر مسائل تصریف که در آن به آرا و نظریات مختلف نیز آمده است.

۴- روش نویسنده این‌گونه است که ابتدا به موضوعی در دستور زبان اشاره کرده و سپس به شرح آن بر مبنای کتاب عربی پرداخته است. وی آنقدر به این کار ادامه می‌دهد تا به مراد و مقصود خود نائل شود و ترجمه درست انجام شود و مشهود است که اساساً روی آوردن به ترجمه مسائل علمی فقط از متصدیان علم و دانش همچون محمد‌های مازندرانی برآزنده است.

۵- محمد‌های مازندرانی در کتاب ترجمه فارسی شرح شافیه برای اینکه ترجمه‌اش خالی از ظرافت ادبی نباشد، گاه از صور خیال نیز بهره گرفته است که خصوصیت و ویژگی ادبی این کتاب را نشان می‌دهد و شامل موارد زیر است:

- یکی از سبک‌های نثر فارسی نثر موزون یا آهنگین است (۱۲). کتاب ترجمه فارسی شرح شافیه محمد‌های مازندرانی گاه نثری موزون است، چنانکه کلمات موزون در آن دیده می‌شود. مثلاً: «اما بعد چنین گوید... محمد‌های بن محمد‌صالح مازندرانی که این کمینه به حسب فرمان واجب الاذعان نواب مستطاب معلى القاب مبادی آداب مجمع البحرين فضل و افضال مشرق الشمسین ابهت و اجلال مستجمع صفات قدسیه مستکمل ملکات ملکیه مخزن فیوضات سبحانی معدن اسرار ربانی ... نوباوه بوستان حکومت و ایالت خان بن خان حسین علی خان نور حدیقه آصف سلیمان... عنان به جانب شرح شافیه صرف نموده، بر نحوی که بیان معانی و ایضاح مشکلات او تواند بود...» (۱۰).

«... مثلاً هیأت اکرم و افعال یکی است به اعتبار آنکه حرف زائد در هر دو در اول واقع شده...» (۱۰).

- آرایه تکرار: اگر کلمه‌ای بیش از یک بار در نظم یا نثر تکرار شود، آرایه تکرار رخ داده است. تکرار یکی از مسائل اساسی زیبایی‌شناسی است (۱۳). در کتاب ترجمه فارسی شرح شافیه محمد‌های مازندرانی نیز آرایه تکرار دیده می‌شود، مثلاً: «... و از تعریف بعضی از احوال ادغام چون حکم ادغامی که عارض دو کلمه می‌شود...» (۱۳).

- آرایه تشبیه: مانند کردن یک چیز با چیز دیگر که یکی از زیباترین بخش‌های ادبیات فارسی است، تشبیه است (۱۴). در

کتاب ترجمه فارسی شرح شافیه محمد هادی مازندرانی نیز آرایه تشبیه دیده می‌شود، مثلاً: «... فعل به اعتبار ثقل انتقال زبان از ثقلی به ثقلی دیگر اینکه مخالف اقل بوده باشد، به خلاف مثل عتق و ابل و... و اسم جانوریست شبیه به موش خرما و نام قبیله ایست که ابل لاسوددئلی به آن منسوب است...» (۱۴).

- آرایه تلمیح: تلمیح از صنایع معنوی بدیع است که در آن نویسندگان به آیه، حدیث، داستان، یا مثل قرآنی اشاره کنند (۱۴). در کتاب ترجمه فارسی شرح شافیه محمد هادی مازندرانی نیز آرایه تلمیح به آیه قرآنی دیده می‌شود، مثلاً: «... قال الله تعالى ليس لوقعتها كاذبه...» (۱۴)، «لیس لوقعتها کاذبه» آیه ۲ سوره واقعه است.

آرایه مراعات نظیر: مراعات نظیر یا مراعات النظیر یکی از آرایه‌های ادبی است که اگر شاعر یا نویسنده‌ای در شعر یا متن ادبی خود کلماتی را در کنار هم قرار دهد که با هم تناسب دارند، از این آرایه استفاده کرده است. از این رو به این آرایه تناسب هم گفته می‌شود (۱۵). در کتاب ترجمه فارسی شرح شافیه محمد هادی مازندرانی نیز آرایه مراعات نظیر به آیه قرآنی دیده می‌شود، مثلاً: «... علاماتى است در اعضاى حیوانات ... چون ... کورى و لنگى...» (۱۵).

با این حال اهتمام نویسنده مصروف آوردن صنایع ادبی نشده است و وی قصد ندارد در این ترجمه سخن را آنقدر آرایش کند و به کلام ادبی بیاراید تا مقصود او فراموش شود. از این رو واحدی از صور خیال بهره گرفته و به حداقل آن اکتفا کرده است. در حقیقت متن علمی گویا است و صرفاً برای انتقال مفاهیم دقیق علمی نوشته می‌شود، لذا آرایه ادبی یا در او دیده نمی‌شود و یا به میزان اندکی به کار رفته است تا خواننده با کمی تأمل متن را دریابد.

۶. تلاش در ارتباط با مخاطب فارسی‌زبان با وجود

استفاده از لغات و عبارات عربی: محمد هادی مازندرانی در کتاب ترجمه فارسی شرح شافیه کوشیده است که در ترجمه‌اش اولویت مخاطب و خواننده باشد و سعی می‌کند که محتوا یا پیام را زبان فارسی به خواننده برساند، البته در این

کتاب واژه‌ها و عبارات عربی دیده می‌شود که ویژگی زبانی این اثر را نشان می‌دهد، مثلاً: «بسملة الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد و آله الطيبين الطاهرين المعصومين...» (۱۰)؛ «والله ولى التوفيق...» (۱۰)؛ «... حدیث حضرت خیر الانام علیه و علی آله افضل التحبه والسلام گفته که بعد فقد سالتی من لایسعی مخالفته ان الحق بمقدمتی فی الاعراب مئمة فی التصریف علی نحوها و مقدمة فی الخط فاجتبه سائلا متضرعا والله الموفق و المعین التعریف علم باصول يعرف بها احوال بینة الکلم التی لیست باعراب التی لیست برای صفت...» (۱۰)؛ «... و سلسبیل که به معنی نرم و روان و نام چشمه است در بهشت... و غلطیس که به معنی براق است» (۱۰)؛ «... وقد یكون للتوسع كالمقصورة و الممدودة و ذی الزیاده...» (۱۰)؛ «... افعل می‌آید چون اسود و ابیض و احمر و اصفر و اعور و اقطع و اجذم...» (۱۰).

با این حال، اگر در ترجمه فارسی شافیه محمد هادی مازندرانی الفاظ و عباراتی عربی دیده می‌شود، به اقتضای نیاز ترجمه و ضرورت وجود آن در متن است، نه اصرار نویسنده در آوردن لغات و عبارات بیگانه. آوردن آیه در متن نیز - علاوه بر وجود عبارت در متن اصلی کتاب الشافیه ابن حاجب - نشان می‌دهد که از جمله دلایل لزوم کتب ترجمه همچون ترجمه فارسی شافیه در جهت درک آیات شریف قرآنی بوده و از این نیاز بوده تا دستور زبان عربی برای فارسی‌زبانان قابل فهم باشد. مترجم با دو زبان مبدأ و مقصد درگیر است، از یک طرف می‌خواهد که خواننده ترجمه‌اش را بفهمد و از طرفی مراقب است پیام و معنا تحریف نشود و گاه عبارات و کلمات عربی را می‌آورد. ترجمه فارسی شافیه همگی به نثر فارسی نوشته شده است. از این رو این متن آمیخته با شعر نظم و... نیست، اما آیه قرآنی گاه در آن آمده است. محمد هادی مازندرانی برای تفهیم مخاطب گاه نظر و رأی خود را در برخی موضوعات در علم صرف و دستور زبان داده است. ترجمه نزدیک به تحت‌اللفظ و به قصد روشن کردن معانی الفاظ است نه ترجمه فصیح ادبی. نویسنده برای بیان مضمون کلام گاه لغات و عباراتی را به عنوان شاهد آورده است و این از آن جهت است که هرچه

این هستیم که مترجمان مختلفی وجود داشته‌اند و در زمینه ترجمه هم تلاش‌ها نموده‌اند که از جمله آن‌ها محمد هادی مازندرانی است و ترجمه فارسی شافیه نیز از آثار وی است که در موضوع دستور زبان عربی است و به فارسی ترجمه شده است.

۱. فن ترجمه: زبان‌های مختلفی در دنیا وجود دارد و ترجمه کننده یک اثر باید به اندازه خالق اثر هنرمند باشد تا بتواند ظرافت‌های زبان را به دیگران منتقل کند (۱۶). بنابراین این مترجم است که نقش مهمی در ثبات و جهانی‌شدن آثار دارد (۱۷). نویسندگان آثار بزرگی را به دنیای ادبیات و فرهنگ ارائه کرده‌اند و البته ترجمه آثار به زبان‌های دیگر به زمان‌های دور برمی‌گردد و زبان عربی، زبانی با تاریخ و فرهنگ غنی، دستور زبانی منحصر به فرد دارد. این ساختار که قرن‌ها برای زبان‌شناسان و علاقمندان به آن شناخته شده است، این زبان را به خود جذب کرده است. در واقع نوشتن و تألیف مباحث گرامری برای زبان افرادی که زبان‌های دیگر را نمی‌دانند. از گذشته تا به امروز همواره در کانون دغدغه‌های گذشتگان بوده است. در واقع ترجمه، ارتباط معنایی متن مبدأ با زبان مقصد و استفاده از متون و کلمات معادل در طول این فرآیند است. مترجمان باید تعادل ظریفی بین حفظ معنای اصلی متن و ایجاد متن طبیعی در زبان مقصد ایجاد کنند تا اطمینان حاصل شود که متن نهایی همان پیام، احساس و لحن متن اصلی را منتقل می‌کند. بنابراین علاوه بر تخصص زبانی بالا، مترجم باید هم از زبان مبدأ و هم از زبان مقصد اطلاعات خوبی داشته باشد، چراکه باید قصد، اندیشه و ایده اصلی نویسنده را در نسخه ترجمه‌شده با دقت و وفاداری هرچه بیشتر بیان کند. با کمک علم ترجمه، مطالعه متون علمی به زبان‌های دیگر توسط دانشمندان افزایش یافته است. این امر باعث شد که به ترجمه متون از زبان‌های دیگر و همچنین یادگیری زبان‌های دیگر برای ترجمه توجه شود (۱۸). مترجم در جایگاه فردی راهگشا قرار می‌گیرد که اکثراً بدون کمک دیگران از اشکال اولیه ترجمه استفاده می‌کند. با این حال، ممکن است به طور کامل امکانات واژگانی و نحوی زبان را

بیشتر با شاهد مثال سروکار داشته باشیم، در فهم معانی توانا تر خواهیم بود. نویسنده در این ترجمه قصد زبان‌آموزی، یعنی آموزش زبان عربی را داشته است و سطح اطلاعات مردم را بالا می‌برد.

۷. نظرات و تعاریف محمد هادی: محمد هادی مازندرانی در کتاب ترجمه فارسی شرح شافیه گاه نظرات و تعاریف خود را بیان می‌کند:

– نظر مؤلف درباره کتاب: «رساله در علم تصریف است. پس هرچه در او جاری نیست؛ در این رساله مذکور نمی‌شود» (۱۰).

– تعریف نویسنده در رابطه با علم صرف در محتوای متن: «تصریف علمی است متعلق به اصول و قواعدی که شناخته می‌شود به آن‌ها احوال بناهای کلمات چون بودن کلمه ثلاثی و رباعی و خماسی و مجرد و مزید فیه و مصغر و مکبر و مانند این‌ها از احوالاتی که غیر اعراب‌اند، پس در این تعریف علم جنس و شامل تصریف و غیر اوست از علوم دیگر و غیر علوم چون ادراکاتی که متعلق به جزئیات بوده باشد و به سبب تقیید او به اصول بیرون می‌رود از تعریف تصریف ادراکات متعلقه به جزئیات چون شناختن زید و عمر و به سبب توصیف اصول به این صفت که یعرف بها احوال ابنیه الکلم بیرون می‌رود انواع علوم بغیر علم نحو...» (۱۰).

– تعریف نویسنده درباره فعل ثلاثی و رباعی: «... و بناهای اصلیه فعلی یا سه حرفند و او را فعل ثلاثی می‌گویند یا چهار حرفی و او را رباعی مجرد می‌گویند...» (۱۰).

لذا مؤلف در قسمت‌های مختلف کتاب ترجمه فارسی شرح شافیه گاهی از خود استقلال رأی نشان می‌دهد و در مورد مسائل علم صرف، نظریات خود را نیز بیان می‌کند.

بحث

مترجمان زبان‌های گوناگون باید به اندازه نویسندگان اصلی آثار توانمند باشند تا بتوانند آثاری باکیفیت برای آیندگان باقی بگذارند، لذا مترجم در ماندگاری اثر تأثیرگذار است، حال در قرن یازدهم قمری که همزمان با دولت صفوی است، شاهد

درک نکند و سپس این ترجمه را برای افراد مختلف می‌خواند و بر اساس پیشنهاد آن‌ها، کلمات و ترتیب کلمات را تغییر می‌دهد و کار خود را به روش‌های مختلف صیقل می‌دهد (۱۹). به هر حال از اصول مهم در ترجمه آن است که «مفاهیمی که ترجمه القا می‌کند، باید مطابق متن باشد و در مقایسه با آن کمبودی نداشته باشد» (۲۰).

در نتیجه تماس و برخورد ملت‌ها با یکدیگر تمایل به ترجمه و برگردان را در بین آن‌ها تقویت و تشویق می‌کند و کار ترجمه در ایران نیز ریشه‌ای تاریخی دارد. ایرانیان برای کسب دانش و فنون مختلف در دوره‌های تاریخی از طریق ترجمه با علوم سایر ملت‌ها آشنا شده و سپس خود دست به ابتکار می‌زدند.

۲. علم صرف: موضوع علم صرفاً کلمه است (۲۱) و ویژگی‌ها و ساختار آن مورد بحث قرار می‌گیرد و مزیت آن شناخت لغات و معانی آن‌ها و نیز ایجاد کلمات مناسب برای معانی مختلف است (۲۴-۲۲). بنابراین صرف‌شناسی طبقه‌بندی زبان‌ها بر اساس استفاده از کلمات است (۲۵).

علم صرف یکی از شاخه‌های ادبیات عرب است و علمی است که چگونگی تغییر و تبدیل کلمه را به طرق مختلف برای به دست‌آوردن معانی متعدد توضیح می‌دهد، لذا در زبان عربی نیز تغییراتی در کلمه ایجاد می‌شود که گاه از یک کلمه کلمات گوناگونی می‌توان ساخت که این عمل مربوط به علم صرف است. بنابراین علمی است که به ما می‌آموزد چگونه یک کلمه را به روش‌های مختلف تغییر دهیم تا به معانی مختلف دست یابیم. در هر زبانی، کلمات زیادی از کلمات دیگر ایجاد می‌شود. در واقع هر علم مجموعه‌ای از موضوعات است که حول یک محور اساسی جمع شده است و موضوع علم صرف بررسی «کلمات» مستقل و جدا از نقش آن‌ها در جملات و کلمات و نیز از عربی و حرکت کلمات است (۲۶). در دوره صفویه نوشتن دفتر به زبان فارسی در دستور زبان عربی و مانند آن رایج بود (۵).

۳. ابن حاجب صاحب کتاب الشافیه: ابن الحاجب در سال ۵۷۰ در روستای اسنا در شمال مصر از پدری به دنیا آمد. ابن الحاجب علوم اسلامی را در قاهره به ویژه نزد شاطبی و غزالی

با موفقیت آموخت. او در قاهره تدریس می‌کرد (۲۷) و سپس به دمشق رفت (۲۸) و در آنجا به تدریس پرداخت. او نخستین کسی بود که عقاید مالکی مصری (۲۹) را با عقاید مغربیان ادغام کرد و به عنوان یک دستور زبان به گونه‌ای در ژانر تلخیص و تفسیر تسلط یافت که آثارش مورد استفاده فهرست بلندبالایی از مفسران قرار گرفت. او پس از اختلاف با حاکم ایوبی دمشق، الصالح اسماعیل بین مهر و موم‌های ۱۲۴۰ تا ۱۲۴۲ از دمشق اخراج شد. او به قاهره و پس از آن اسکندریه بازگشت و در نهایت در شوال ۶۴۶ قمری درگذشت (۳۰).

کتاب «الشافیه فی علم التصریف و یلیها الوافیة نظم الشافیه» ابن حاجب است به زبان عربی است و در تعریف دانش صرف و مباحثی همچون صحیح و معتل، معانی افعال، ساختمان فعل‌ها، صفت مشبیه، مصادر ثلاثی و رباعی، اسم‌های زمان و مکان، احکام تصغیر، احکام منسوب، جمع مکسر، احکام اعلال، مبحث ابدال و احکام ادغام است و البته ابن حاجب در نگارش کتاب الشافیه خود تحت تأثیر نقطه نظرات ابن جنی است. (۳۱). کتاب الشافیه در ۳۱ عنوان نوشته شده (۶) و از متون درسی شافیه است (۱۱).

۴. محمد هادی مازندرانی نویسنده ترجمه فارسی شرح شافیه: محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی (۳۲-۳۴) یا «هادی مترجم» (۳۴)؛ نویسنده روزگار صفوی (۳۵) است. او عالمی فاضل است (۴) که زمان به دنیا آمدنش مشخص نیست، اما زمان مرگ او را سال ۱۱۲۰ قمری دانسته‌اند (۳۶) یا ۱۰۸۶ قمری (۳۵). قبر وی کنار قبر علامه مجلسی است (۳۶) و شرح الشافیه‌اش به اسم حسینعلی خان نوشته شده است (۷). گفتنی است که چند نسخه‌های خطی از این کتاب در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد (۳۷).

البته محمد هادی مازندرانی این کتاب را وسیله و بهانه‌ای برای انشای کتابی به فارسی که بیانگر هنر و قدرت اوست، کرده است و این کتاب مورد بررسی مقاله حاضر است. همچنین اشاره می‌شود که نسخه خطی شرح شافیه در کتابخانه مجلس (به شماره بازیابی: ۱/۹۶۹۹، شماره مدرک کتابخانه مجلس: ۴۹۴۳-۱۰) تاریخ کتابت: از قرن ۱۳ قمری؛ نام خاص و

کمیت اثر: گ ۱ پ - ۱۱۷ پ؛ قطع: ۱۵*۲۱ سم. ۱۲۴ گ. ۲۲ س، آغاز، آغازه، انجام، انجامه: ۱ برابر با ش ۷۳۹۸، تزئینات متن: عناوین در حاشیه به شنگرف، نشانی‌ها شنگرف، رکابه‌نویسی: دارد، تزئینات جلد: تیماج مشکی؛ یادداشت‌های مربوط به مشخصات ظاهری اثر: نوع خط: نستعلیق؛ یادداشت‌های مربوط به نسخه موجود: ۲ دارای حواشی «منه عفی عنه»، در حاشیه تصحیح شده؛ مشخصات اثر: شکل و سجع مهر؛ متن یادداشت: در اول نسخه دو مهر بیضوی با سجع «یا حسن التجاوز» و «المتوکل علی الله عبده علی»؛ یادداشت عملیات: نسخه حاضر از انجام افتادگی دارد؛ یادداشت‌های مربوط به نمایه‌ها، چکیده‌ها و منابع اثر: مأخذ فهرست: جلد ۳۱، صفحه ۵۷)) مد نظر در این مقاله است.

نتیجه‌گیری

آثار به‌جامانده از گذشته، میراث فرهنگی یک کشور را تشکیل می‌دهد و اطلاعاتی را در زمینه‌های مختلف در اختیار نسل امروز قرار می‌دهد. مقایسه ساختار زبان‌های متنوع به نوعی به مطالعات زبان‌شناسی کمک وافری می‌کند و از دل این مقایسه‌ها به تفاوت‌های ساختاری و خصیصه زبان‌های متنوع نائل می‌شویم. در این میان، آموزش و یادگیری زبان عربی به عنوان یک زبان خارجی فارسی‌زبانان، بنا به دلایل دینی، ملی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... در طول تاریخ مهم بوده است و گاهی ضرورت کار ترجمه در بخشی از دوره‌های تاریخی همچون عصر صفویه از تألیف بیشتر می‌شود و ترجمه کتبی که مربوط به علم صرف است و کارش تجزیه کلمات است، می‌تواند در زبان‌آموزی بسیار مؤثر باشد. ابن حاجب کتاب «الشافیه فی التصریف» را نوشت و توجه به این اثر موجب شد تا شرح‌هایی به زبان عربی و فارسی بر آن نگاشته گردد. محمد هادی مازندرانی مترجمی است که دست به ترجمه کتاب شافیه زده است و این کتاب از زبان عربی به فارسی ترجمه شده است. مفاهیم کلیدی این کتاب پیرامون علم تصرف سخن می‌گوید. ترجمه فارسی شافیه مازندرانی دارای ویژگی‌هایی چون بسمله و تمهید است، بسمله و تحمید است

و درباره علم صرف است و به مواردی مانند اسم و فعل صحیح و معتل و صفت مشبیه ابتدا، وقف، اسکان، ابدال و... می‌پردازد. نویسنده تحت تأثیر شرح رضی قرار دارد و از عبارات و لغات عربی نیز استفاده نموده است.

لذا یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که به دلیل اهمیت فراوان کتاب الشافیه ابن حاجب، محمد هادی مازندرانی کتاب ترجمه فارسی شرح شافیه را به فارسی از زبان عربی ترجمه کرده است. موضوع و محتوای کتاب در دانش صرف است و انگیزه محمد هادی مازندرانی انتقال زبان عربی به زبان فارسی برای الزام فهم متون عربی است و خود نیز تسلط کامل بر دستور زبان عربی دارد، لذا اهمیت این کتاب درک متن قرآن و کتب عربی و جلوگیری از ورود واژه‌های خارجی در زبان فارسی و آشنایی فارسی‌زبانان با زبان عربی است. روش محمد هادی مازندرانی در کتاب ترجمه فارسی شرح شافیه مقدمه‌چینی، اشاره به نقل قول‌هایی از شیخ رضی و دیگر علما، آوردن عنوانی در دستور زبان عربی و توضیح آن، استفاده محدود از صنایع ادبی، کوشش برای برقراری ارتباط آسان با مخاطب و بیان نظرات خود در رابطه مباحث دانش صرف است.

مشارکت نویسندگان

فاطمه خیراتی: نگارش مقاله، جمع‌آوری داده‌ها، گردآوری منابع. سید بابک فرزانه و علیرضا باقر: نظارت و راهنمایی بر مقاله. نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

- House J. Translation. Translated by Tavangar M. Tehran: Elmi Publication; 2020. p.129. [Persian]
- Nazemian R. Methods in translation from Arabic to Persian. Tehran: Samt Publications; 2010. p.34. [Persian]
- Sheikh Mofid. Translation of Amali Sheikh Mufid. Translated by Ostad Vali H. Mashhad: Astan Quds Razavi Publications; 1967. p.4. [Persian]
- Modarres MMA. Reyhanat al-Adab. Tehran: Khayyam Publications; 1990. Vol.5 p.148. [Persian]
- Safa Z. History of Iranian literature. Tehran: Qoqnoos Publishing Group; 1990. p.187. [Persian]
- Hadad Adel GH-A. Encyclopaedia of the world of Islam. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation; 1998. Vol.7 p.364. [Persian]
- Aghabozorg Tehrani MH. The pretext to Shiite classifications. Qom: Esmailian Publications; 1988. Vol.11 p.261. [Persian]
- Mirzaei Pouink F. Literature and translation technique. Varamin: 1st National Conference on New Researches in Persian Language; 2008. p.1-2. [Persian]
- Mohammad Abdol-Ghani H. Translation fan. Mashhad: Astan Quds Razavi Publications; 1997. p.48. [Persian]
- Mazandarani MH. Shafi'a's manuscript. No Date. Recovery Number: 1/9699, Document Number of the Library of the Parliament: 4943-10. [Persian]
- Farzaneh SB. A look at the history of pure knowledge and criticism of the book of Shafiyyah by Ibn Hajib. Journal of the Faculty of Letters and Humanities (Tehran). 2002; 3-4(164): 105-114. [Persian]
- Shamisa S. Prose stylistics. Tehran: Mitra Publications; 2008. [Persian]
- Rastgou M. The art of speech (artistic art). Tehran: Samt Publications; 2003. [Persian]
- Homaie J. Rhetoric techniques and literary industries. Tehran: Homa Publications; 1991. [Persian]
- Farshidvard KH. A new perspective on Arabic and Persian rhetorical techniques and meanings and expressions. Gohar Journal. 1977; 51: 215-221. [Persian]
- Fazel Sadi A. Translation of Sincere stock. Qom: Boustane Ketab Institute; 2009. p.23. [Persian]
- Zarkoub M. The new method of translation (Arabic-Persian-Persian-Arabic). Esfahan: Mani Publications; 2009. p.12. [Persian]
- Kazzazi J. Translation and interpretation, exploration in the art of translation. Tehran: Jami Publications; 1995. p.11. [Persian]
- Nida Y. The Role of the Translator. Translated by Bastani S. Tehran: Islamic culture publishing office; 1986. p.27. [Persian]
- Safavi MR. Criticism of Quran translations. Qom: Cultural Foundation of Hazrat Mehdi Mououd; 2012. p.109. [Persian]
- Beyhaghi A. Taj al-Masader. Tehran: Hadi Alemzadeh Publications; 1987. Vol.1 p.138. [Persian]
- Ibn Jenni AA. Al-Tasrif al-Molouki. Egypt: Mohammad Saeed Nasan Hamavi Publications; No Date. Vol.1 p.2. [Arabic]
- Meydani A. Nuzhat al-Tarf in morphology. Cairo: Yasriya Mohammad Ibrahim Hasan Publications; 1997. Vol.1 vp.27. [Arabic]
- Faroughi Tahanavi MA. Kasshaf Encyclopedia of Arts and Sciences Terminology. Beirut: Rafiq al-Ajam and ali Dahrouj; 1996. Vol.1 p.20. [Arabic]
- Tabatabaei MR. Simple spending. Qom: Dar al-Fekr; 1993. p.11. [Persian]
- Shartuni R. Mabadi al-Arabiya fi al-Sarf va al-Nahv. Qom: Dar al-Elm; 2009. Vol.3 p.8. [Persian]
- Ibn Hajeb O. Al-Mali al-Nahviyah. Beirut: Dar al-Jill Publications; 1981. Vol.2 p.90. [Arabic]
- Yafei A. The mirror of heaven and the lesson of awareness in knowing what is considered to be one of the events of time. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyeh; 1960. Vol.4 p.156. [Arabic]
- Abushameh A. Biographies of men of the sixth and seventh centuries, known as Dhayl Ali al-Rawdhayn. Beirut: Dar al-Jill Publications; 1957. [Arabic]
- Ibn Farhoun E. The preamble of the doctrine in knowing the notable scholars of the doctrine. Cairo: Dar al-Torath lel-Tab va al-Nashr; 1974. Vol.2 p.412. [Arabic]
- Baghdadi A. The treasury of literature and the pulp of the door of Lisan al-Arab. Cairo: Maktabat al-Khanji; 1997. Vol.1 p.29. [Arabic]
- Nouri al-Tabarsi H. His conclusion is the means. Qom: Publications of the al-Bayt Foundation, peace be upon them, to revive heritage; 1902. Vol.2 p.196. [Arabic]

33. Esfahani Effendi MA. Riyadh of scholars and menstruation of virtuous people. Qom: Public library of Hazrat Grand Ayatollah Marashi Najafi (RA); 1994. Vol.5 p.110. [Arabic]
34. Mousavi Khansari SMB. Rawdat al-Jannat in the conditions of scholars and Sadat. Qom: Esmailian Publications; 2011. [Arabic]
35. Mazandarani MH. Explanation of the branches of al-Kafi. Qom: Dar Al-Hadith for Printing and Publishing; 2008. Vol.1 p.7. [Arabic]
36. Fazaeli H. Line atlas. Esfahan: Mashal Publications; 1983. p.350. [Persian]
37. Hosseini Jalali MH. Antiques from Najaf manuscripts. Journal of the Institute of Arabic Manuscripts. 1974; 20(1): 3-49.